

جنگ جهانی دوم و حضور متفقین در بندر بوشهر (۱۳۲۳-۱۳۲۰ش.)

گالیا حق پرست^۱

چکیده

بندر بوشهر یکی از بندرهای قدیمی خلیج فارس، همواره در تحولات مهم سیاسی و اقتصادی ایران تأثیرگذار بوده است. در طول تاریخ معاصر، نیروهای انگلیسی در چهار مرحله به این بندر هجوم آوردند که آخرین آن مربوط به جنگ جهانی اول بود. علاوه بر این، جنگ جهانی دوم نیز که به سقوط پهلوی اول منتهی گردید، به صورت غیرمستقیم بر این بندر تأثیر گذاشت. پژوهش حاضر در پی آن است که به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد آرشیوی موجود در بنیاد ایران‌شناسی بوشهر و سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران به این پرسش پاسخ دهد که بوشهر طی دوران حضور متفقین در چه وضعیتی به سر می‌برد و حضور نیروهای بیگانه در این شهر چه پیامدهایی با خود به همراه داشت؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که بحران نان، فقدان ثبات اقتصادی-سیاسی، احتکار غله، قحطی و مرگ‌ومیر فراوان در کنار رکود اقتصادی گمرک از جمله پیامدهای ناشی از جنگ جهانی دوم و سقوط رضا شاه بود که حضور متفقین در این بندر به آن دامن زد.

▪ واژگان کلیدی:

ایران، بندر بوشهر، جنگ جهانی دوم، متفقین.

مقدمه

بندر بوشهر در دوران قاجار از بنادر مهم ساحلی ایران در خلیج فارس بود و به‌عنوان یکی از کانون‌های برتر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نقشی مهم ایفا می‌کرد. اهمیت این بندر تاریخی برای قدرت‌های اروپائی و حضور فعال این قدرت‌ها از جمله دولت انگلستان که سابقه حضورش در بوشهر به بیش از صد سال می‌رسید، دلیلی بر اهمیت جایگاه بوشهر در معادلات قدرت‌ها بوده است. آنچه بوشهر را تبدیل به بندری مهم در نگاه حاکمان و دولت‌های بیگانه از جمله انگلستان می‌کرد، نقش برتر اقتصادی این بندر و همچنین اهمیت دریا و دریانوردی در این منطقه بود که سبب جذب حداکثری بازرگانان و مهاجران داخلی بدان می‌شد، جایگاهی که با نزدیک‌شدن به سال‌های پایانی عصر قاجار و انتقال به عصر پهلوی رو به افول گذاشت. در دوران پهلوی اول با توجه به جابه‌جایی کانون تجاری از بوشهر به خوزستان، بالاخص خرمشهر، این بندر تا حدود زیادی از رونق سال‌های پیش از عصر پهلوی افتاد. دلیل این افول را می‌توان توجه فراوان رضا شاه به راه‌آهن خرمشهر و خوزستان دانست که سال‌های اولیه حکومت خود را صرف راه‌اندازی آن کرد و در این پروژه، مهندسانی با ملیت‌های گوناگون از جمله کشورهای ایتالیا، بلژیک و آمریکا حضور داشتند. توجه به خرمشهر و خوزستان باعث مهاجرت گسترده بازرگانان و نیروهای کار از بوشهر به این شهر شد و بندر بوشهر تا حدود زیادی از رونق افتاد. البته این موضوع به‌معنای بی‌توجهی پهلوی اول به بوشهر نبود؛ چرا که در این زمان با تمام موانعی که بر سر راه توسعه بوشهر وجود داشت، اقداماتی هم در این زمینه صورت گرفت، اما به نتیجه نرسید و این روند تا پایان عصر پهلوی اول ادامه داشت. بر اساس چنین مبنایی، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که سقوط پهلوی اول چه پیامدهایی بر بندر بوشهر داشت و جنبه‌های گوناگون پیامد حضور متفقین در بوشهر چه بودند؟ یافته‌های پژوهش، تأثیرات عمیق سقوط دولت پهلوی اول و حضور متفقین بر زیرساخت‌های اقتصادی و بازرگانی بوشهر نشان می‌دهد که قحطی و کمبود غله و آذوقه در کنار مسئله نان به این بحران‌ها در بوشهر دامن می‌زد.

بوشهر در دوران پهلوی اول

بوشهر در دوران پهلوی اول در حالی وارد مرحله تازه‌ای از تاریخ خود شد که چندین دهه از دوران رونق و اهمیتش فاصله گرفته بود. کمبود امکانات، قحطی، جنگ جهانی اول و سایر اتفاقات در این شهر، اثرات مخرب خود را بر بندر بوشهر گذاشته بود و با تشکیل ساختار جدید و انتقال قدرت از قاجار به پهلوی بندر بوشهر نیز مانند سایر ولایات و شهرهای ایران آماده

تغییر به نظر می‌رسید. نهادها و مؤسسات نوین تمدنی که ورود آنها در بوشهر سابقه داشت، در این دوران به‌طور اساسی پایه‌گذاری و شروع به فعالیت کردند. نهادهایی مانند بلدیه، عدلیه، نظمیه و مالیه، هر کدام به فراخور وظایف تعیین‌شده، به ایجاد تغییراتی در سطح شهر بوشهر اقدام نمودند. از میان این سازمان‌ها بلدیه، مالیه و نظمیه نقشی بسیار مهم در ساماندهی امور شهری از خود به جا گذاشتند و با اقداماتی که بلدیه انجام داده بود، سیمای عمومی بوشهر و ساختار شهری آن تا حدود زیادی دگرگون شد. نکته اساسی آنجا بود که با توجه به جابه‌جایی کانون تجاری از بوشهر به خوزستان و خرمشهر و آبادان، بوشهر عصر پهلوی اول دیگر آن رونق سال‌های پیش را نداشت. با تأسیس و افتتاح راه‌آهن سراسری جنوب در خوزستان، معادلات تجاری و اقتصادی خلیج فارس در دوران پهلوی اول به‌سود این شهر رقم خورد و از قِبل آن، مهاجران بی‌شماری با حرفه‌های گوناگون راهی خرمشهر، آبادان و خوزستان شدند. بسیاری از تجار بوشهر نیز بر اثر این تغییر و جابه‌جایی مرکز ثقل بازرگانی، به خوزستان و کشورهای عربی خلیج فارس کوچ کردند (پریدار، ۱۳۹۳: ۱۱۴).

در سال‌های اولیه حکومت پهلوی اول بر اساس آمار و ارقام موجود، بوشهر جایگاه خود را به‌نفع خرمشهر از دست داد و از این مقطع زمانی بود که تقریباً افول اقتصادی آن آغاز شد (اسدپور، ۱۳۹۹: ۲۱۸). صرف‌نظر از سیاست‌های اقتصادی دولت که مستقیماً به افول جایگاه بندر بوشهر منجر گردید، سایر سیاست‌های دولتی نیز بر ضد تجارت و امنیت این منطقه تمام شد (نعمتی، ۱۳۹۳: ۱۲۸). به استناد آمار، در ۱۳۱۵ش. بیشترین واردات ایران از راه خلیج فارس از بندر بوشهر انجام می‌شد. توجه دولت پهلوی به بندر خرمشهر و بندر شاهپور باعث شد تا در آن دوره، بنایی در بوشهر ساخته نشود و تجار هزینه‌های ساخت‌وساز را به عهده گرفتند؛ اما با گذشت زمان و رکود اقتصادی بندر بوشهر، تجار دیگر قادر به انجام چنین فعالیت‌هایی نبودند (حبل‌المتین، ش ۱۵/۲۹).

قانون انحصاری تجارت نیز در این زمان به عاملی مهم برای تحت فشار قرار دادن تجار بوشهری بدل شد و همین عامل نیز بر سرعت مهاجرت آنان افزود. به‌رغم تغییرات صورت‌گرفته در بوشهر که بخشی از آن مربوط به اقدامات حکومت جدید و برخی نیز مربوط به سیر تاریخی این بندر بود، باز هم بوشهر به‌دلیل پیشینه تاریخی مهم خود از نظر حکومت پهلوی به‌عنوان بندری مکمل در کنار بندر خرمشهر، آبادان و خوزستان به شمار می‌آمد، اگر چه میزان توجه در مقایسه با بندرهای تازه‌رونق‌گرفته کمتر بود.

در این دوران، کماکان کنسولگری‌های دولت‌های اروپائی در بوشهر به فعالیت خود ادامه دادند. کنسولگری‌های شوروی سوسیالیستی، روسیه، فرانسه و انگلستان مستقر بودند و کنسولگری هند و نروژ نیز امورات خود را در بوشهر به کنسول انگلستان محول کرده بودند تا به نمایندگی از طرف دولت‌های خود، بولتن‌ها و گزارش‌های ماهیانه و سالیانه را در اختیار آنان قرار دهند (زنگنه، ۱۳۹۵: ۱۱).

به دلیل موقعیت دریایی بوشهر و ارتباط با مراکز مهم سیاسی و نظامی اروپائیان در خلیج فارس در دوران پهلوی اول، کماکان افراد عالی‌رتبه و هیئت‌های نظامی، سیاسی و فرهنگی به بوشهر می‌آمدند و پس از دیدن این شهر به خرمشهر، آبادان و تهران سفر می‌کردند. از اقدامات مثبتی که در این زمان صورت گرفت، تسطیح خیابان‌ها، اختصاص مکان‌هایی برای بازار و بازاریان، تنظیم قیمت مواد غذایی و همچنین اصرار بر تمیزنگه‌داشتن حمام‌های عمومی و مغازه‌ها بود (فلور، ۱۴۰۰: ۵۲۲). در کنار این اقدامات مثبت، سیاست‌های دیگر حکومت پهلوی مانند حجاب اجباری و خلع سلاح عشایر در بوشهر اجرا گردید که بخشی از مردم با این سیاست همراهی کردند و بخشی نیز به آن واکنش نشان دادند. علاوه بر این، انتخابات که یکی از ابزارهای مشروعیت حکومت پهلوی اول بود، به فاصله چند سال یک بار در بوشهر برگزار می‌شد که در برگزاری برخی از دوره‌های انتخابات مجلس شورای ملی تخلفات گسترده‌ای صورت می‌گرفت؛ مانند دوره ششم که با تقلب و زدوبند همراه بود (همان: ۵۲۳). آرام کردن طوایف در بوشهر و نواحی اطراف آن که بر اثر سیاست‌های خلع سلاح عشایر به وجود آمده بود، در کنار مبارزه گسترده با قاچاق در بوشهر و خلیج فارس، بخش دیگری از اقدامات دولت در این بندر باستانی بود.

سقوط رضا شاه و حضور متفقین در بوشهر

ورود متفقین به ایران در جریان جنگ جهانی دوم موجب کناررفتن رضا شاه از قدرت و بی‌ثباتی در پایتخت و ولایات گردید. بندر بوشهر در خلال جنگ جهانی دوم مانند سایر مناطق ساحلی خلیج فارس به اشغال متفقین درآمد و بیشتر نقاط و مراکز مهم و حساس اقتصادی و سیاسی آن در اختیار نیروهای مهاجم قرار گرفت. مردم بوشهر که با نیروهای مهاجم و متخاصم در سرزمین خود بیگانه نبودند، بار دیگر در شهریور ۱۳۲۰ سرنوشت خود را در دست نیروهای متفقین می‌دیدند. در روزهای پس از سقوط رضا شاه، بوشهر شاهد حضور نیروهای انگلیسی، هندی، آمریکایی و سربازان شوروی بود. هدف اصلی متفقین از کنترل بندر

بوشهر، تسلط بر تمامی زیرساخت‌های نظامی و اقتصادی این بندر به منظور یاری‌رسانی بیشتر به نیروهای شوروی بود که در حال جنگ با نیروهای آلمانی در خاک خود بودند. طبق اسناد موجود و بر اساس گزارش‌های اداره شهرداری شیراز صد نفر از سربازان شوروی به همراه نه افسر ارتش این کشور اسفند ۱۳۲۰ش. از اصفهان به شیراز و از شیراز رهسپار بندر بوشهر شدند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۲۹۰/۹۶۳). مردم بوشهر که خبر حمله متفقین به ایران و تهران را با خونسردی دنبال می‌کردند، پس از ساقط شدن رضا شاه از قدرت، امیدوار به بهبود امور بودند. با ورود متفقین و سیطره آنان بر سرنوشت مردم ایران و بوشهر که اندک زمانی بعد با پیروزی متفقین در جنگ همراه بود، در بوشهر این پیروزی متفقین با استقبال فراوان همراه شد و جوش و خروش زیادی را در میان مردم برانگیخت، به طوری که همه ساختمان‌ها و اتومبیل‌ها تزیین و پرچم‌کاری شده بودند (Administration Report, 1940: 8-10). دکان‌ها با پرچم و قالی تزیین گردیدند و شب‌ها چراغانی می‌شدند. بازاری‌ها سه طاق نصرت ساختند و در بازار از مردم با شیرینی همراه با پای کوبی و موسیقی پذیرایی می‌کردند. مسئولان میهمانی دادند و دانش‌آموزان در حالی که پرچم در دست داشتند، با ارکستر در شهر راهپیمایی می‌کردند و راهپیمایی خود را با سرودخوانی در کنسولگری بریتانیا خاتمه دادند. روزنامه‌های محلی بوشهر شماره‌های مخصوصی در این رابطه منتشر کردند و چاپخانه علوی، جزوه کوچکی به یادبود چنین روزی چاپ و منتشر کرد (فلور، ۱۴۰۰: ۵۳۱). این استقبال و پای کوبی که منابع انگلیسی بدان اذعان می‌کنند، موقتی بود و دیری نپایید؛ چرا که بی‌ثباتی و فقدان نظارت که با برهم خوردن نظم اقتصادی بازار و کمبود آذوقه و غله همراه بود، بر عمق بحران‌های پیش‌روی مردم بوشهر افزود. در بحبوحه حضور نیروهای متفقین در بوشهر، سرکنسول انگلستان در بوشهر نقشی مهم در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های این نیروها در جنوب ایران و کرانه‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس ایفا نمود (اسنادی از جنگ جهانی دوم، ۱۳۹۲، ۹۴/۱). متفقین در همان بدو ورود به بوشهر توانستند علاوه بر فرمانداری شهر، بیشتر اراضی عمومی کنار دریا، گمرک و اداره پست و تلگراف را در اختیار بگیرند. اهداف اولیه متفقین از پیش برنامه‌ریزی شده بود. آنان بوشهر را یکی از بندرهای مهمی می‌دانستند که در محاسبات نظامی‌شان نقش تأثیرگذاری ایفا می‌کرد (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۲۹۳/ ۳۲۶۲۷).

آن‌گونه که از منابع و اسناد موجود برمی‌آید، یکی از اهداف انگلیسی‌ها تقویت زیرساخت‌های بندری بوشهر و همچنین رفع نواقص این بندر بود. به همین منظور، متفقین در

صدد ساخت خط آهنی بودند که بوشهر را به اصفهان و سایر نواحی داخلی ایران متصل کند (اطلاعات، ۱۳/۱۰/۱۳۲۱؛ همان، ۱۱/۱۱/۱۳۲۱: ۱). توسعه لنگرگاه بوشهر با هدف تثبیت موقعیت متفقین در خلیج فارس به منظور تقویت و حفظ ارتباط خود با روسیه شوروی صورت می‌گرفت که در حال جنگ با نیروهای آلمانی بود (همان: ۱۳۲۲/۱/۶: ۲).

نیروهای متفقین به رهبری انگلیسی‌ها که سال‌ها تجربه حضور در بوشهر را داشتند، از توانمندی و ظرفیت‌های اقتصادی و تأسیسات دریایی بوشهر آگاه بودند و از همین رو، در وهله نخست در صدد تسلط بر تمامی زیرساخت‌های اقتصادی برآمدند. احداث کارخانه‌های مونتاژ ماشین و همچنین ایجاد آموزشگاه‌های رانندگی با هدف جذب راننده برای کامیون‌های متفقین در بوشهر با همین هدف صورت گرفت (همان: ۱۳۲۴/۸/۲: ۶). نظارت بر خطوط ارتباطی به خصوص راه‌هایی که بوشهر را به شیراز و نواحی داخلی ایران متصل می‌کردند، بر سهولت انتقال نیروهای نظامی و جابه‌جایی کالاهای موردنیاز متفقین افزود (زیویار، ۱۳۸۹: ۹۳؛ قطبی، ۱۳۸۱: ۱۲۳). متفقین بوشهر را مبدل به شهری ارتباطی کردند که حلقه اتصال آنان با سایر نیروهای متفق در خوزستان و کرانه‌های شمالی خلیج فارس محسوب می‌شد. انتقال و تأمین سوخت نیروهای اصلی متفقین مستقر در نواحی مرکزی از طریق دست‌اندازی آنان بر منابع نفتی ایران در خوزستان تأمین می‌گردید. رفت‌وآمد خودروها و کامیون‌های انگلیسی، آمریکایی و شوروی در روزهای شهریور ۱۳۲۰ ش. اوضاع خاصی را در بوشهر به وجود آورده بود. سنگینی ناشی از حضور این نیروها در بوشهر تا جایی بود که بیشتر خطوط ارتباطی مردم مانند شبکه‌های مخابراتی پست و تلگراف، شامل تلگراف‌های خصوصی مردم از طرف متفقین کنترل می‌شد (چمنکار، ۱۴۰۰: ۳). میزان سختگیری و شدت عمل انگلیسی‌ها در بوشهر برای نظارت بر جریان امور شهر به حدی بود که در ایستگاه مخابراتی واقع در بندر، مأموری انگلیسی به‌عنوان مفتش حضور فعالی داشت و امور را کنترل می‌کرد (زیویار، ۱۳۸۹: ۱۵۰). از همین رو، مقرر شده بود که ارتباط بی‌سیم بوشهر با بحرین و آبادان قطع شود و صرفاً با تهران، بندر لنگه و جاسک متصل باشد. بر همین اساس، مأمور تفتیش انگلیس به نمایندگی از متفقین اجازه داشت در محل تعیین‌شده حضور فعال داشته باشد (همان: ۱۵۱).

سایه بحران بر بندر بوشهر

همان‌گونه که گذشت، تحولات ناشی از سقوط رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰ ش. موجب تثبیت موقعیت نیروهای اشغالگر متفقین در بوشهر گردید. برنامه‌ریزی متفقین و به‌خصوص نیروهای

انگلیسی که به واسطه سال‌ها حضور در بوشهر، تمامی ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بوشهر را می‌شناختند، تا حدود زیادی به متفقین در رسیدن به اهدافشان یاری رساند. تسلط نیروهای بیگانه بر نهادهای سیاسی و اقتصادی بندر بوشهر، هرگونه آزادی عمل و تصمیم‌گیری را که خارج از حوزه نظارت متفقین بود، از دستداران ایران و بوشهر سلب نموده بود. مراکز مهم و حیاتی بوشهر در اختیار آنان قرار داشت، به طوری که نماینده‌ای را از سوی خود در آنجا گذاشته بودند. فضای سیاسی ناشی از حضور متفقین در بوشهر مانند سایر نقاط ایران به شدت ملتهب بود. التهاب ناشی از فعالیت نیروهای بیگانه در بوشهر پیامدهای گوناگون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی داشت. سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم و هم‌زمان با دخالت متفقین در امور سیاسی ایران، توازن قدرت و نظام سیاسی موجود در ایران بر هم خورد. بیشتر نواحی ایران از مرکز تا شمال و جنوب ایران به محوریت بوشهر و سواحل خلیج فارس گرفتار قحطی و کمبود منابع موردنیاز از جمله غله و نیازهای اولیه شدند. بی‌گمان در بروز چنین رخدادی عوامل طبیعی مانند خشکسالی و نقش تعیین‌کننده متفقین در تدوین سیاست‌ها و وضع موجود در ایران آن زمان بسیار تأثیرگذار بودند (اطلاعات، ۱۳۲۰/۶/۳: ۱). اشغال ایران تا حدود زیادی کشت و برداشت محصولات زراعی را تحت تأثیر قرار داد. در مجموع، وضعیت بد محصول و سیاست‌های اتخاذشده از سوی متفقین در مورد محصولات زراعی به بحران کمبود غله و نان در بوشهر دامن زد، به طوری که میزان ذخیره گندم در سایر نقاط کشور و مناطقی مانند بوشهر به حداقل رسید (همان، ۱۳۲۰/۷/۳: ۱). در تمام مدتی که جنگ جهانی دوم ادامه داشت، نواحی جنوبی ایران به‌ویژه کرانه‌های ساحلی خلیج فارس از بوشهر تا بندر لنگه و بندر عباس گرفتار قحطی گسترده بودند (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ش ۲۹۰۱۸۸۰). شدت قحطی در بوشهر و نواحی دیلم و گناوه به‌گونه‌ای بود که برخی مردم توانایی تأمین نان روزمره خود را نداشتند و در شهرهای دیلم و گناوه هسته خرما را تبدیل به آرد نموده و مصرف می‌کردند.

گزارش‌های موجود نشان از وجود قحطی در بوشهر دارند (پریدار، ۱۳۹۳: ۲۱۸-۲۱۷). روزهای پس از شهریور ۱۳۲۰ش. در این شهر، روزهای پردغدغه و التهاب بود و خالی‌بودن انبارهای دولتی از غلات و نیازهای روزانه مردم به‌ویژه گندم، فشار فراوانی را بر مردم بوشهر تحمیل می‌کرد. کل نانوبایی‌های آن روز بوشهر دوازده دکان بودند و وظیفه تأمین نان شهر را بر عهده داشتند. کمبود نان در بوشهر فشار مضاعفی را بر ارگان‌هایی مانند فرمانداری، شهرداری و اتاق بازرگانی وارد آورده بود. تصمیماتی که از سوی فرماندار بوشهر اتخاذ می‌شد، در

کوتاه‌مدت جواب می‌داد؛ اما مشکل نان ریشه‌ای بود و به بحرانی ملی تبدیل شده بود. کمبود نان در بوشهر بارها باعث تجمع مردم و اعتراض آنان به وضعیت پیش‌آمده شد. بحران قحطی و کمبود ناشی از نان، موجب گسترش تنگدستی در میان مردمان این بندر شده بود. با پیگیری‌های فرمانداری بوشهر، اداره غله و نان هشتصد تن گندم برای بوشهر ارسال کرد و برای مقابله با گرانی‌ها و افزایش روزانه قیمت‌ها نیز فرمانداری و شهرداری اقداماتی کردند تا از فشار موجود کاسته شود.

بر اساس گزارش‌ها و اسناد موجود، اقداماتی برای به‌تعادل رساندن بازار و تزریق آذوقه، آرد و گندم موردنیاز از سوی فرمانداری و شهرداری صورت گرفت (خلیج ایران، ۱۳۲۰/۶/۲۹: ۳). در روزها و ماه‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ ش. کشتی‌های انگلیسی مشغول تخلیه شکر و گندم و سایر اقلام خوراکی در اسکله و گمرک بوشهر بودند. در برخی از اسناد به‌جامانده آمده است که انگلیسی‌ها گندم‌هایی را از هندوستان به بوشهر می‌آوردند و نزدیک به ۱۵۰۰ تن از آنها را در اختیار فرمانداری بوشهر قرار دادند. انعکاس این اخبار را می‌توان در مکاتبات دکتر حسابی فرماندار وقت بوشهر ملاحظه کرد (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۹۰/۱۶۸۱). با توجه به کمبود گندم در بوشهر و جنوب فارس، صادق‌زاده رئیس دارایی بوشهر خواستار این شد که کنسولگری انگلیس در بوشهر و سایر کنسولگری‌های جنوب، گندم مصرفی‌شان را از بصره تهیه نمایند (همان: ۲۶۰/۴۸۰). علاوه بر نقش نیروهای متفقین در بوشهر که خواه‌وناخواه کمبودها و بحران‌های پیش‌آمده را به آنان مربوط می‌ساخت، روند چشمگیر قحطی و خشکسالی بود که به بحران دامن می‌زد و موجب هجوم گسترده مهاجرانی از اطراف به سوی بوشهر شد که این عامل خود بر تأمین معیشت و بهداشت فردی آنان نیز تأثیر گذاشت. کمبود آب آشامیدنی مناسب که در بوشهر سابقه تاریخی داشت، بر مشکلات می‌افزود. روزنامه اطلاعات که اخبار و رویدادهای ایران را در آن مقطع زمانی انعکاس می‌داد، به خوبی وضعیت نامناسب بوشهر را که از کمبود نان، غله و خواربار در رنج بود، شرح داده و از تلف‌شدن روزانه مردم بر اثر گرسنگی گزارش‌های مفصلی نوشته است (اطلاعات، ۱۳۲۱/۷/۱۶: ۱). وضعیت بغرنج کشور در سال‌های پس از سقوط رضا شاه در کنار توزیع ناعادلانه گندم و خواربار که بُعد مسافت از مرکز نیز آن را تشدید می‌کرد، کنترل امور بوشهر را با مشکل مواجه ساخته بود. در این میان، تأمین هزینه مالی و تهیه نیازهای نیروهای متفقین از بازار بوشهر، فشار را بر مردم این شهر افزون کرده بود (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۲۶۰۰۰۰/۴۸۰). موضوع مهم دیگر در به‌وجودآمدن چنین وضعیتی در بوشهر آن بود که غلات جمع‌آوری شده از بوشهر به جای آنکه صرف تأمین معیشت مردم نیازمند شهر شوند، با

سیاست‌های نابجا به سایر نواحی و بندرهای ساحلی ارسال می‌شدند (کوشش، ۱۳۲۳: ۲۱/۵۲۹۲). بررسی گزارش‌های موجود از وضعیت بوشهر در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ش. حکایت از اوضاع نامناسب دارد که عمده دلایل آن را علاوه بر حضور متفقین می‌توان در فقدان زیرساخت‌های مناسب عمرانی و بهداشتی، توزیع نابرابر آذوقه و غلات از سوی مرکز و همچنین دوره طولانی مدت قحطی و خشکسالی دانست که بر وضعیت بحرانی بوشهر در خلال جنگ جهانی دوم و حضور نیروهای بیگانه در شهر دامن می‌زد (همان: ۱۳۲۳: ۲۱/۵۲۹۶). تأثیرات جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن که حاصلی جز گرسنگی و کمبود ارزاق نداشت، چنان وضعیتی در بوشهر به وجود آورده بود که کارد به استخوان‌ها رسیده و بنا بر قول روزنامه خلیج ایران، فریاد ضجه و ناله زن‌های برهنه بی‌نان بلند بود (خلیج ایران، ۱۳۲۷/۲/۲۰: ۴ و ۱).

بحران در وضعیت بهداشت و معیشت مردم که خود را در قالب اعتراضات گسترده به کمبود نان نشان می‌داد، تأثیراتی مهم بر صادرات و واردات بوشهر گذاشت. قانون‌نامه‌های وضع شده از سوی متفقین بر صادرات و واردات کالاها تا حدود زیادی نظم اقتصاد و تجارت را با اختلال مواجه کرده بودند (پریدار، ۱۳۹۳: ۴۹).

اسناد اتاق بازرگانی شامل گزارش‌هایی است که همگی به رکود گسترده اقتصادی و ورشکستگی بازرگانان اشاره کرده‌اند. افول تجارت در بوشهر در کنار مهاجرت تجار سرشناس از این بندر تنها بخشی از پیامدهای جنگ جهانی دوم در بوشهر بود که تا سال‌ها پس از اتمام جنگ نیز تأثیراتش پابرجا بود. تأثیرات مخرب جنگ جهانی دوم بر این بندر به گونه‌ای بود که حتی پس از متفقین نیز دیگر قادر به احیای زیرساخت‌های خود و بازگشت به دوران پیش از جنگ نبود. بوشهر که دیرزمانی یکی از بندرهای مهم جنوبی ایران و باب‌الابواب تجاری خلیج فارس محسوب می‌شد، در سال‌های افول خود پس از سقوط رضا شاه به بندری درجه دوم تبدیل شده بود. همان‌گونه که پیش‌تر هم گذشت، این روند از دوران پهلوی اول آغاز شد و تا پایان جنگ جهانی دوم ادامه یافت (رزم‌آرا، ۱۳۲۳: ۹۰).

سال‌های پایانی جنگ و افزایش قیمت مواد غذایی که همراه با کمبود میزان خواروبار مورد نیاز بود، مردم بوشهر را به ستوه آورد. افزایش قیمت بی‌رویه کالاها و مواد موردنیاز در بازار، احتکار و کم‌فروشی وضعیتی را در بوشهر به وجود آورده بود که گاه مردم عادی حتی از خرید البسه معمولی خود و خانواده نیز ناتوان بودند و بخش عمده‌ای از جامعه تنها از طریق نان خالی گذران می‌کردند (اطلاعات، ۱۳۲۲/۱/۸: ۱). این رویه، نشانه بی‌ثباتی در بازار و تأثیرپذیری مرکز اصلی اقتصاد تجاری بوشهر از حضور متفقین بود.

بی‌ثباتی در بازار

حضور نیروهای متفقین در بوشهر پیامدهای گوناگونی داشت که یکی از آنها رکود بازار و تأثیرپذیری از اوضاع سیاسی پیش‌آمده بود و تا حدود زیادی اقتصاد تجاری، مبادلات بازرگانی، گمرک و بازار مرکزی بوشهر نیز از این رویداد تأثیر پذیرفت. کمبود نان، آذوقه و غله، طبقات گوناگون مردم و بازاریان بوشهر را به شدت آزرده‌خاطر می‌ساخت و آنان را در مضیقه می‌گذاشت. یک سال پیش از بحران سیاسی و اقتصادی در بوشهر، اقداماتی از سوی فرمانداری وقت برای بهبود اوضاع بازار انجام گرفت و راهکارهایی برای جبران کمبودها در بازار اندیشیده شد. بر اساس قراین و شواهد موجود و طبق اسناد و اخبار روزنامه‌های محلی، زمینه احتکار و کمبود اقلام موردنیاز مردم در بازار، یک سال پیش از شهریور ۱۳۲۰ فراهم شده بود که جریان فوق با وقوع این رخداد تاریخی و به وجود آمدن معضلات و مشکلات جدید چندین برابر گردید. به‌عنوان مثال در ۱۳۱۹ ش. بر اثر کمبود گوشت در بازار، آقای ظهیر فرماندار وقت بوشهر، کمیسیونی از رؤسای بهداری و قرانتین جنوب، شهردار و کمک دامپزشک کشتارگاه و مدیرعامل شرکت گوشت در فرمانداری تشکیل داد و برای بهبود روند توزیع گوشت شهر تصمیماتی گرفتند و به اجرا نیز گذاشتند.

با اقداماتی که از سوی فرمانداری و شهرداری و سایر ارگان‌های مربوطه انجام پذیرفت، از افزایش قیمت‌ها و یا کمبود مواد غذایی موردنیاز مردم در بازار جلوگیری به عمل آمد تا جایی که در تیر ۱۳۲۰ ش. وضعیت خواروبار به‌گونه‌ای بود که تا حدود زیادی در دسترس مردم قرار داشت و مردم از هر حیث در رفاه بودند (خلیج ایران، ۱۳۲۰/۶/۲۹: ۴). به‌رغم نظارت فرمانداری و شهرداری بر عملکرد اصناف در بازار شهر، کم‌فروشی‌ها و احتکارهایی هم صورت می‌گرفت. این وضعیت با بحران حاصل از ورود متفقین و دست‌اندازی آنان به انبارهای غله ایران تشدید شد.

در روزهای نخست ورود متفقین و آشفتنگی سیاسی حاصل از آن، میرعلی ظهیر فرماندار بوشهر در پیامی ضمن تشریح وقایع در پایتخت از مردم بوشهر خواست تا «اولاً در این موقع وحشتی به خود راه نداده و کمال خونسردی و متانت را رعایت نموده و با نهایت آرامش رفتار نمایند و کوچک‌ترین حرکتی که باعث برهم‌زدن نظم و آرامش باشد از خود بروز ندهند» (همان، ۱۳۲۰/۱۰/۱۰: ۴). در اعلامیه‌ها و بخشنامه‌هایی که از سوی محمدعلی فروغی نخست‌وزیر وقت صادر می‌شد، به فرمانداران ولایات و استان‌ها نیز دستور داده شده بود از هر گونه حرکتی که باعث تشویش خاطر اذهان عمومی می‌شود، خودداری نموده و آرامش را

برقرار کنند (همان، ۱۳۲۰/۱۰/۱۰: ۴). در روزهایی که ایران در کمبود خواربار، گندم و سایر اقلام غذایی و حضور نیروهای بیگانه در خاک خود می‌سوخت، در بندر بوشهر نیز بیشترین تلاش‌ها از سوی فرمانداری و شهرداری برای جمع‌آوری خواربار و تأمین هزینه آرد، گندم و گوشت مردم شهر و بازار صورت می‌گرفت. بر همین اساس، برخی دستورات همراه با اعمال فشار از سوی شهرداری به تعدادی اصناف بازار از جمله قصابان و گوشت‌فروشان برای فروش و ارائه گوشت ارزان و مناسب به مردم بوشهر داده شد. آیین‌نامه گوشت‌فروشان با در نظر گرفتن اوضاع بحرانی آن روزها، توسط شهرداری به اجرا گذاشته شد. فرمانداری و شهرداری با وضع و تجدید چنین قوانین و آیین‌نامه‌هایی در صدد برقراری نظم و سامان دادن اوضاع آشفته بازار بودند. این نهادها و اعضای اتاق بازرگانی بوشهر، نهایت تلاش خود را برای عادی‌سازی روند دریافت و در اختیارگیری اغذیه و اجناس مورد احتیاج مردم به کار می‌گرفتند و در هماهنگی با هم به وارد کردن شکر و یا گندم مبادرت می‌کردند (همان: ۱۳۲۰/۴/۲۸: ۲). به‌رغم این اقدامات، باز هم در بیشتر مواقع بحران کمبود نان منجر به درگیری‌هایی در مقابل نانوائی‌ها و بازار می‌شد. در آبان ۱۳۲۰ش. به دلیل ورود زائران و حجاج بیت‌الله، میان عده‌ای از مردم مقابل یکی از نانوائی‌های شهر درگیری به وجود آمده بود که این درگیری با رفتن مسافران از بوشهر و همچنین اقدامات شهرداری و آقای شوکت رئیس اداره مالیه بوشهر برطرف شد. با دستور رئیس مالیه بوشهر مقرر شده بود که گندم بیشتری به ناوها بدهند تا نانوائی‌ها پخت بیشتری کنند، نان بیشتری در اختیار مردم و بازاریان قرار دهند و بدان وسیله از شدت درگیری‌ها بر سر نان کاسته شود.

در دی ۱۳۲۰ش. اداره دارایی بوشهر طبق دستور استانداری هفتم، علاوه بر بوشهر مقدار ۳۵۰ تن گندم برای زارعان برازجان و دیلم اختصاص داد؛ چرا که در این نواحی نیز کمبود غله و آذوقه فشار فراوانی بر مردم وارد کرده بود، تا جایی که برخی از مردمان دیلم به جای گندم با خرما گذران روز می‌کردند.

در ۱۳۲۱ش. علاوه بر کمبود نان و غله، کمبود برنج نیز در بازار، هم باعث فشار اقتصادی و معیشتی سنگین بر مردم و هم موجب احتکار آن توسط احتکارگران شده بود. از همین رو، برای کاستن از نرخ برنج و توزیع آن در بازار، اقداماتی از جمله واردات برنج از شهرهای همجوار و مرکزی ایران صورت پذیرفت. قیمت برنج که هر سه کیلو ۲۴ ریال بود، به ۱۱ ریال کاهش یافت، عده‌ای از بازرگانان بوشهر در هماهنگی با اداره دارایی بوشهر چهارصد کیسه برنج از اصفهان و شیراز وارد کردند. این برنج‌ها از سوی اداره دارایی به خانواده‌ها و مغازه‌هایی در بازار

اختصاص می‌یافت که از طرف آنان انتخاب شده بودند. با این اقدام، قیمت برنج متوسط درجه سه کمتر شد و مردم تا حدود زیادی از آن تنگنای مالی و معیشتی در بازار رهایی یافتند (همان: ۱۳۲۰/۴/۲۸: ۲).

بررسی اسناد و اخبار روزنامه‌های پس از سال‌های شهر یور ۱۳۲۰ ش. نشان می‌دهد که هم‌زمان با کمبود غله و نان و سایر ارزاق در بازار بوشهر، اقداماتی از سوی مسئولان وقت صورت می‌پذیرفت؛ اما چون کمبود نان و گندم سراسری بود، در بیشتر مواقع مردم به ستوه می‌آمدند. در یکی از گزارش‌های روزنامه خلیج ایران مربوط به ماه‌های اردیبهشت و خرداد ۱۳۲۱ ش. چنین آمده است: «چند روز است در اثر مخالفت اداره اقتصاد به دادن گندم به اندازه کفایت، نان عاید کسی نمی‌شود و ضعفا به گریه گذران می‌کنند و متمولین به برنج» (همان: ۳).

این وقایع نشان از وضعیت متزلزل بازار و احوال مردم بوشهر در آن مقطع زمانی دارد که هر از چند گاهی یکی از اقلام مورد نیاز مردم نایاب و قیمت آن در عرض چند روز چندین برابر می‌شد (خلیج ایران، ۱۳۲۱/۳/۹: ۴). در همان روزها قیمت روغن نیز به‌طور شگفت‌انگیزی بالا رفت و در بازار یافت نمی‌شد، تا اینکه در خرداد ۱۳۲۱ ش. با همکاری شهرداری پنجاه دله روغن از کازرون وارد شد و آن را از قرار سه کیلو ۱۱۰ ریال خرده‌فروشی کردند و در اختیار مردم گذاشتند. در این میان، بازرسی‌هایی نیز از بازار به‌منظور رعایت اصول بهداشتی و همچنین تعدیل نرخ بهای خواروبار و کالا از طرف رئیس بهداری و شهرداری بوشهر صورت می‌گرفت.

پیامدهای حضور متفقین در بوشهر

نیروهای متفق با هدایت دولت انگلستان که سابقه سال‌ها حضور در بوشهر و خلیج فارس را داشت، بندر بوشهر را مکان مناسبی برای استقرار نیروهای متفقین در خلیج فارس می‌دانستند. حساسیت‌های ایجاد شده در باره حضور نیروهای انگلیسی و هم‌پیمانانش اجازه می‌داد که در صورت هرگونه تحریک و فعالیت بر ضد نیروهای متفقین، به‌ویژه انگلیس که جای پای محکمی در نواحی جنوبی داشت، از طریق خلیج فارس به‌ویژه بحرین نیروهای کمکی را که عمدتاً هندی بودند، وارد بوشهر کنند تا از بندر راهی فارس شوند. در گزارش‌های موجود از نمایندگی سیاسی دولت انگلستان در بوشهر این‌گونه برداشت می‌شود که نیروهای انگلیسی در برهه زمانی ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۱ م. با برنامه‌ریزی‌هایی در وهله اول در صدد امن‌نمودن بوشهر از حضور نیروهای آلمانی بوده‌اند؛ بنابراین در ابتدا اتباع انگلیسی را با کشتی به بحرین منتقل کردند و در مقابل، با هدف کنترل و نظارت بیشتر بر تحولات پس از شهر یور ۱۳۲۰ ش.

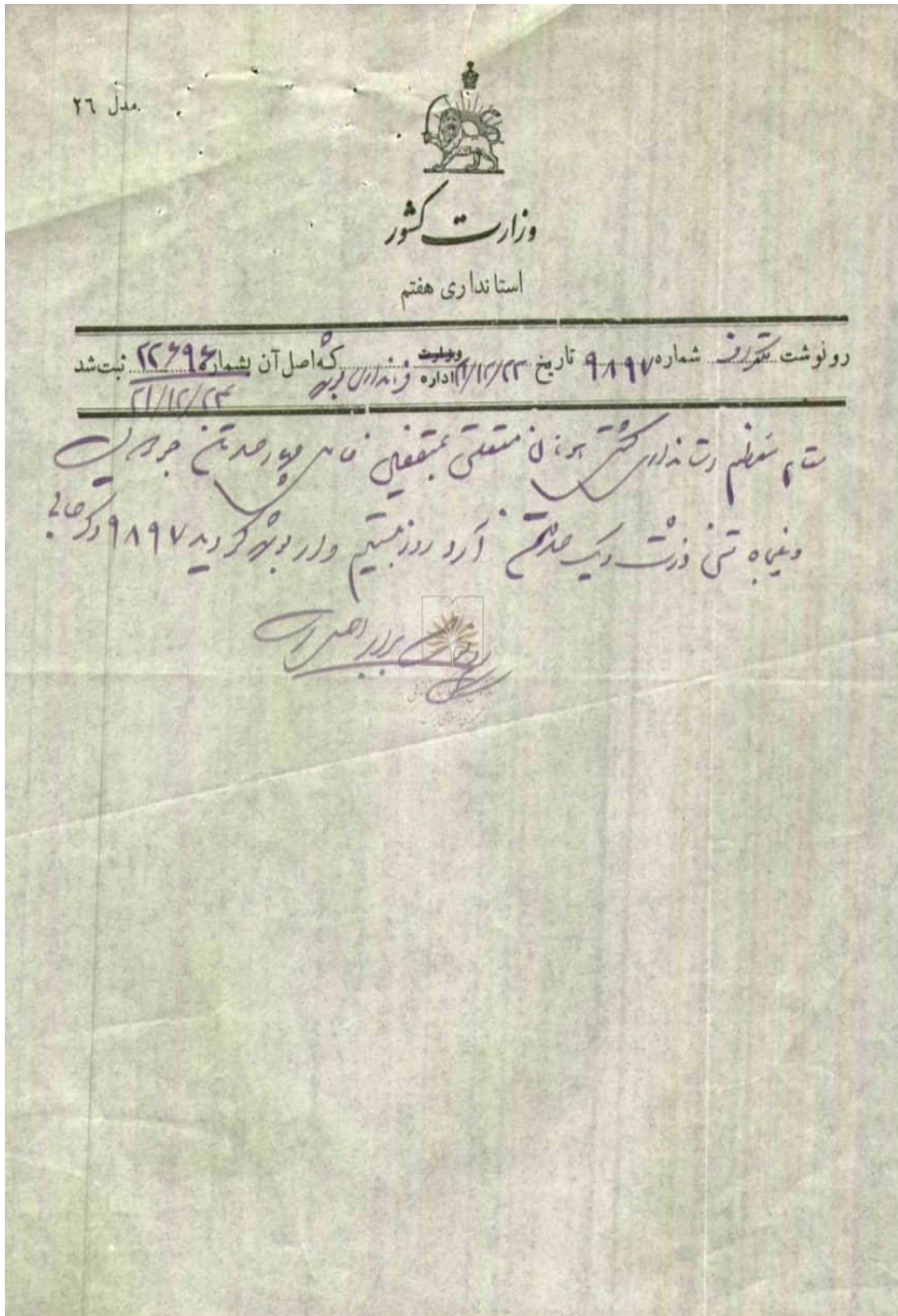
یک گردان از نیروهای انگلیسی را از بحرین به بوشهر فراخواندند (Location Political, 10). نیروهای انگلیسی و متفقین همان اهدافی را که در بندرهایی مانند خرمشهر و آبادان داشتند، در بوشهر نیز عملیاتی کردند. در آبادان و خرمشهر تسلط بر پالایشگاه نفت آبادان و خرمشهر از اهداف اصلی نیروهای متفقین بود. در بوشهر نیز آنان با تسلط بر فضای سیاسی و نهادهای دولتی و اقتصادی مانند گمرک، این شهر را تحت اختیار و نظارت کامل خود گرفتند. سال‌ها حضور در بوشهر، این آگاهی را در کارگزاران و سیاستمداران انگلیسی به وجود آورده بود که برای تسلط بر فارس و هم‌سو کردن نهادهای سیاسی آن، کنترل بندر مهم بوشهر که شریان اصلی اقتصادی فارس بود، بسیار اهمیت دارد. نیروهای متفقین به رهبری انگلستان و شوروی با آگاهی از چنین جایگاهی، سیطره و نفوذ خود را در بوشهر با هدف تأمین امنیت نیروهای متفقین در خلیج فارس و جنوب ایران با محوریت فارس گسترش دادند.

حضور متفقین در بوشهر مانند سایر نقاط ایران فضای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر را تحت تأثیر قرار داده بود. هدف اولیه نیروهای متفقین تسلط بر زیرساخت‌های اقتصادی و نهادهای سیاسی و مرکزی در بوشهر بود تا با تسلط بر این نهادها جریان امور در جنوب را به سود خود تغییر دهند. چالش‌های اجتماعی، بهداشتی و فقدان امکانات مناسب در بوشهر با حضور متفقین بیش از پیش شد. قحطی، کمبود غله و فقدان آب شرب مناسب در کنار فقدان نظارت برای انجام امور، فضای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوشهر را تحت تأثیر خود قرار داد. چالش‌های اجتماعی در کنار فقدان زیرساخت‌های مناسب شهری در سال‌های پیش از حضور متفقین در بوشهر وجود داشت؛ اما حضور نیروهای بیگانه در این شهر به این مسائل دامن زد. پیامدهای حضور متفقین در بوشهر را می‌توان از جنبه‌های گوناگون اقتصادی و سیاسی بررسی کرد. از نظر اقتصادی، گمرک بوشهر و زیرساخت‌های اقتصادی و بازار تحت نظارت و کنترل متفقین درآمد. متفقین با در دست گرفتن اقتصاد و گمرک بوشهر تا حدود زیادی نیازهای اقتصادی نیروهای خود را برای حضور قدرتمند در ایران به‌ویژه نواحی جنوبی فارس تأمین می‌نمودند. از همین روی، تأمین امنیت راه ارتباطی بوشهر - برازجان - کازرون به شیراز از وظایف مهم نیروهای متفقین برای جابه‌جایی نیروها و انتقال به فارس و نواحی مرکزی ایران بود. حضور یگان‌های نظامی متفقین با توجه به سیطره نیروی دریایی انگلستان در خلیج فارس و همچنین چاه‌های نفت مناطق ساحلی تحت نظر انگلستان و به‌ویژه چاه نفت بین‌النهرین بود. متفقین در بوشهر به‌دنبال استفاده حداکثری از ظرفیت‌های اقتصادی و سیاسی بوشهر به نفع خود بودند.

مهم‌ترین دغدغه نیروهای انگلیسی و متفقین در بوشهر واهمه از تسلط نیروهای آلمانی و عملیات کودتا در این بندر بود. ارتباط قوی نیروهای آلمانی با طوایف محلی جنوب ایران به‌ویژه بوشهر و فارس آنان را متقاعد کرده بود که تمامی جوانب را از این لحاظ بررسی کنند و پیش‌بینی‌های لازم را به عمل آورند. تأکید اولیه نیروهای انگلیسی که با هدف تأمین منافع متفقین صورت می‌گرفت، بیشتر مبتنی بر ضدیت با آلمانی‌ها و جلوگیری از گسترش نفوذ آنان در بوشهر بود (Evacuation of Bushire, 1940: 15). تسلط بر بوشهر مانع نفوذ نیروهای آلمانی در این بندر می‌شد. حضور سه‌ساله متفقین در بوشهر، اگر چه تضمین‌کننده منافع آنان بود؛ اما برای بوشهر و مردم این بندر چندان ثمربخش نبود؛ چرا که حضور آنان مردم بوشهر را با مشکلات فراوانی روبه‌رو ساخت. مشکلاتی چون بیکاری ناشی از دوران پیش و پس از حضور متفقین در بوشهر، افزایش مشکلات عمرانی و بهداشتی، رکود گمرکات و تجارت خارجی، تعطیلی صنایع، کمبود شدید وسایل نقلیه و قحطی فراگیر که حضور متفقین به آنها دامن می‌زد و فضای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوشهر را تحت تأثیر خود قرار داده بود (چمنکار، ۱۳۹۹: ۲۶۱).

نتیجه‌گیری

جنگ جهانی دوم را می‌توان یکی از چندین بحران مهم دانست که تاریخ معاصر ایران به خود دیده است. این بحران ملی که منجر به سقوط پهلوی اول گردید، بیشتر مناطق ایران را درگیر خود کرد. یکی از این مناطق، جزایر و سواحل خلیج فارس با محوریت بندر بوشهر بود. حضور متفقین در بوشهر با توجه به شناخت قبلی از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های تجاری بوشهر صورت گرفت. موقعیت ترانزیتی بوشهر در جابه‌جایی کالاهای موردنیاز متفقین موجب گردید که نیروهای انگلیسی با سابقه سال‌ها حضور در بوشهر، شروع به دست‌اندازی و تسلط بر تمام زیرساخت‌های نظامی، اقتصادی، عمرانی و بهداشتی آن نمایند. هم‌زمان شدن قحطی و خشکسالی ناشی از جنگ در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ش. باعث گردید تا بوشهر وارد مرحله‌ای از بحران اقتصادی و انسانی خود شود که در تاریخ معاصر، مشابه آن را در زمان جنگ جهانی اول از سر گذرانده بود.



واردات جو، آرد و ذرت با کشتی متفقین به بوشهر، ۱۳۲۱ ش.
(آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)

سرکنسولگری انگلیس در بندر

گزارش فرمانداری بوشهر به سرکنسولگری انگلیس در بوشهر مبنی بر تقسیم بذر گندم بین رعایا
 ۱۳۲۳ ش.

فردا یک برک صورت تقسیم بذر پانزده سال ۱۳۲۳ در محله‌های مختلف بوشهر انجام خواهد شد.
 فرستاده می‌شود و بطوریکه اقتضای دارند گندم این بزرگواران را از خارجه و
 و بزرگواران نیز داخله و خارج است که میراث است بزرگواران جمع است
 ربع بین رعایا تقسیم که می‌باشد و چون بارانها مستقر است و زمینها باریدگی
 است و در زمان کاشت بذر در هر یک غله و چمن را برابر بزرگواران در این زمینها
 غله کشت خواهد شد چون بذر گندم در نتیجه سعی این بزرگواران از خارجه و در این
 است بفرستاده خواهد شد و بزرگان این بزرگواران را در این زمینها
 و در این زمینها بزرگواران را در این زمینها بزرگواران را در این زمینها
 فرستاده بزرگواران را در این زمینها بزرگواران را در این زمینها
 بزرگواران را در این زمینها بزرگواران را در این زمینها

۱۳۲۳

گزارش فرمانداری بوشهر به سرکنسولگری انگلیس در بوشهر مبنی بر تقسیم بذر گندم بین رعایا ۱۳۲۳ ش. (آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)

منابع و مآخذ

اسناد:

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، آرشیو اسناد، سندهای شماره: ۲۹۰/۹۶۳؛ ۲۹۳/۳۲۶۲۷؛ ۲۹۰/۱۸۸۰؛ ۲۶۰/۴۸۰؛ ۲۶۰/۴۸۰؛ ۲۹۰/۱۶۸۱؛ ۲۶۰/۴۸۰

فارسی:

اسدپور، حمید، "موانع تاریخی توسعه بوشهر در دوره پهلوی"، پژوهشهای تاریخی ایران و اسلام، ۱۳۹۹، دوره ۱۳، ش ۲۵، ص ۲۱۸.

پریدار، مجتبی، ۱۳۹۳، *اسناد اتاق بازرگانی بوشهر*، ج ۱، تهران: آبادبوم.

چمنکار، محمدجعفر، "تأثیر جنگ بین الملل دوم بر تنزل جایگاه اقتصادی بندر بوشهر"، پژوهشنامه تاریخهای محلی ایران، ۱۳۹۹، ش ۱، پیاپی ۱۷، ص ۲۶۱.

رزم آرا، علی، ۱۳۲۳، *جغرافیای نظامی ایران - منطقه فارس*، تهران: چاپخانه ارتش.

زنگنه، حسن، ۱۳۹۵، *گزارش سالانه بالیوز انگلیس در بوشهر و پسرکانه*، قم: صحیفه خرد.

زیویار، فرهاد، ۱۳۸۹، *اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم*، ج ۲، تهران: خانه کتاب.

علی اکبری بایگی، علی اکبر (به کوشش)، ۱۳۹۲، *اسنادی از جنگ جهانی دوم*، تهران: مرکز پژوهش و اسناد دفتر ریاست جمهوری و خانه کتاب

فلور، ویلم، ۱۴۰۰، *بوشهر، شهر، جامعه و تجارت (۱۹۴۷-۱۷۹۷ م.)*، ج ۲، ترجمه: اسماعیل نبی پور، بوشهر: بنیاد ایرانشناسی و علوم پزشکی بوشهر.

قطبی، بهروز، ۱۳۸۱، *گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران*، ج ۱، تهران: اطلاعات.

نعمتی، نورالدین، ۱۳۹۲، "تأثیر سیاستهای اقتصادی دولت پهلوی اول بر اقتصاد بندر بوشهر ۱۳۲۰-۱۳۰۴ ش"، *پژوهشهای ایرانشناسی*، دوره ۴، ش ۲.

نشریات:

اطلاعات: تاریخهای ۱۳۲۱/۱۰/۱۳؛ ۱۳۲۱/۱۱/۱۱؛ ۱۳۲۱/۱۱/۱۱؛ ۱۳۲۲/۱/۶؛ ۱۳۲۲/۱/۶؛ ۱۳۲۴/۸/۲؛ ۱۳۲۰/۷/۳؛ ۱۳۲۱/۴/۲۲؛ ۱۳۲۱/۷/۱۶؛ ۱۳۲۲/۱/۸؛ ۱۳۲۲/۱۱/۲۹؛ ۱۳۲۴/۱۱/۲۹.

حبل‌المتین: ۱۳۳۲، س ۳۳، ش ۲۹.

خلیج ایران: س ۱۵، ش ۲۹، ۱۳۲۰/۱۰/۱۰؛ س ۱۵، ش ۳۰، ۱۳۲۰/۶/۲۹؛ س ۱۵، ش ۲۸، ۱۳۲۰/۴/۲۸؛ س ۱۵، ش ۳۰، ۱۳۲۰/۶/۱۵؛ همان: ۱۳۲۰/۶/۱۵؛ س ۱۵، ش ۳۱، ۱۳۲۰/۷/۲۷؛ س ۲۳، ش ۵۵، ۱۳۲۱/۳/۹؛ س ۲۹، ش ۱۷۹۰، ۱۳۲۷/۲/۳۰.

کوشش: س ۲۱، ش ۵۲۹۲؛ س ۲۱، ش ۵۲۹۶، ۱۳۲۳/۲/۲۹ و ۱۳۲۳/۲/۳

جنگ جهانی دوم و حضور متفقین در بندر بوشهر (۱۳۲۳-۱۳۲۰ش.) □ ۴۹

لاتین:

Administration Report on the Persian Gulf Political Residency for the year 1940 in Government of India Qatardigital Library.

Location on Political 1940, Resident in Time of War. 30/178. Qatar Digital Library.

Evacuation of Bushire, 1940, file 28/8, Qatar Digital Library.

